



آیت الله جوادی آملی: انتظار فرج در انسان منتظر امید به آینده ایجاد خواهد کرد

آیت الله جوادی آملی گفت: انتظار فرج، در انسان منتظر امید به آینده ایجاد خواهد کرد و همین امید، نقش بزرگی را در سعی و کوشش ایفا می‌کند.

آیت الله جوادی آملی گفت: انتظار فرج، در انسان منتظر امید به آینده ایجاد خواهد کرد و همین امید، نقش بزرگی را در سعی و کوشش ایفا می‌کند.

به گزارش خبرگزاری مهر، به نقل از قدس آنلاین همزمان با میلاد حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه) آخرین ذخیره خاندان ولایت و منجی عالم بشریت، فرازهای انتظار فرج را در گفت‌وگو با مرجع عالیقدر شیعه آیت الله عبدالله جوادی آملی مورد واکاوی و مذاقه قرار داده ایم که در ادامه می‌خوانید.

* یکی از مهم‌ترین ابعاد انتظار فرج امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) بعد فرهنگی است، در این زمینه چه نکاتی قابل طرح است؟

انتظار در بعد فرهنگی به این شکل قابل طرح است که منتظر واقعی آن حضرت افزون بر خودسازی به دگرسازی نیز بپردازد تا از این طریق زمینه ظهور آن حضرت را فراهم کند.

حضرت باقر العلوم (علیه السلام) به عبدالحمید واسطی که از شیعیان آن حضرت بود و گویا از طولانی شدن انتظار ملول و دل‌تنگ شده بود، فرمود: به خدا قسم کسی که خودش را وقف در راه خدا کند، خدای سبحان برای او راه‌گشایی قرار می‌دهد. خدا رحمت کند بنده‌ای را که خود را وقف ما کند، خدا رحمت کند بنده‌ای را که امر ما را احیا گرداند. عبدالحمید که این فضایل را شنید، گفت: پس اگر قبل از درک قائم شما مُردم، چه می‌شود؟

امام (علیه السلام) فرمود: اگر کسی از شما بگوید (تصمیم داشته باشد): اگر قائم آل محمد را درک کنم، یاری‌اش خواهم کرد، مانند کسی است که با شمشیر خود در کنار آن حضرت نبرد می‌کند (و اجر شهید را دارد) اما کسی که در رکاب او به فیض شهادت نایل می‌آید، اجر دو شهید را دارد: اجر شهادت و اجر انتظار. بنابراین، منتظر واقعی کسی است که در محور خودسازی خویشتن را در محدوده امر ائمه (علیهم السلام) منحصر کرده، از قلمرو دستورشان بیرون نرود و در محور دگرسازی تلاش و کوشش او این باشد که امور، معارف، مآثر و آثار آنان را نشر دهد، به دیگران بیاموزد و بدین طریق مکتب آن‌ها را احیا کند. کسی می‌تواند جان خود را در محدوده امر ائمه (علیهم السلام) منحصر و محدود کند و برای احیای امرشان کمر همت ببندد که ولی خدا را بشناسد و معرفت او در این زمینه کامل شده باشد، آن وقت است که فیوضات الهی از باطن او نشأت می‌گیرد.

* اما همان طور که اشاره فرمودید، انتظار واقعی در وجود فرد منتظر متجلی می‌شود، مهم‌ترین جلوه‌های انتظار در میان منتظران چیست؟

برای پاسخ به این پرسش خوب است همه در وجود مبارک امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) تحقیق و مذاقه داشته باشند تا بیشتر از این جلوات وجودی حضرت بهره ببرند.

وجود گرامی حضرت ولی عصر (ارواح من سواه فداه) ذخیره عالم و عصاره خلقت است، از این رو تحقق بخشنده آمال و اهداف تمام انبیای الهی در طول تاریخ بشریت خواهد بود. آنچه را که انبیا (علیهم السلام) برای رسیدن به آن تلاش و تبلیغ کردند، آزار، اذیت و شکنجه کشیدند و برخی هم در این راه شهید شدند، او پیروزمندانه به انجام می‌رساند.

سیره مشترک همه انبیای الهی (علیهم السلام) این بود که برای رسیدن به اهداف رسالت خویش از زبان تبلیغ، در شرایط عادی و زبانه تیغ، در حال ضرورت بهره می‌جستند، چنانکه نظامی در این زمینه سروده است:

محیطی چه گویم چو بارنده میغ
به یک دست گوهر به یک دست تیغ
به گوهر جهان را بیاراسته
به تیغ از جهان داد دین خواسته

بنابراین می‌بینیم که این دو عنصر در برنامه حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به عنوان تعقیب کننده و تکمیل کننده اهداف رسالت مشاهده می‌شود. از این رو منتظر واقعی کسی است که آثار هر دو بخش انتظار (تیغ و تبلیغ) در زندگی او جلوه گر باشد.

* آیا انتظار فرج در ابعاد نظامی هم می‌گنجد و اساساً منتظران به حضور در جبهه‌های جنگ توصیه شده‌اند؟

برای پاسخ به این پرسش به روایتی از امام صادق (علیه السلام) اشاره می‌کنم که فرمودند: «لَبِعَدَّ أَحَدُكُمْ لَخُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَوْ سَهْمًا فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ فِي نِيَّتِهِ رَجُوتُ لَأَنْ يُنْصِيءَ فِي عَمَرِهِ حَتَّى يَدْرَكَهُ وَيَكُونَ مِنْ أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ. اَيْنَ رَوَايَتُكَ بِهَ آمَادِغِي نِظَامِي مَرْبُوطٌ مِي‌شُود، نِشَان مِي‌دِهْد كه مِنتَظِرِ وَاقِعِي اَن حَضْرَت كِسي اِست كه اهل رِزْم، جَنگ، مِبارِزَه، نِبرد و خِلاصَه مِسلَح و بَسِيجِي باشَد. كِسي كه كاري با جَنگ و مِبارِزَه با طَاطِي نِدارَد، هِرگِز مِنتَظِرِ وَاقِعِي اِمام زَمَان (عَجَلِ اللّٰه تَعَالٰى فِرَجِه) نِيسَت؛ چُون اَن حَضْرَت با نِبرد مِسلَحانَه نِفسِگِيرِ جِهَان را اِصْلَاح مِي‌كِنَد. اِبي بَصِير از صَادِق آل مَحْمَد (عَلَيْهِ السَّلَام) نَقْل كَرْدَه، وَاقْتِي اَن حَضْرَت قِيَام مِي‌كِنَد، مِيان او و مِيان قَرِيش و سَاير اَعْرَاب جِز شَمشِير دَاوَرِي نِمِي‌كِنَد؛ إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْعَرَبِ وَ قَرِيشَ إِلَّا السِّيفُ. دَر رَوَايَتِ دِیْگَرِي از اَن حَضْرَت آمَدَه اِست: پِيامبرِ اَكْرَم (صَلِيَ اللّٰه عَلَيهِ وَ آلِهِ وَ سَلَمَ) وَ اِئْمَه (عَلَيْهِمُ السَّلَام) فِي الْجُمْلَه مَأْمُورٌ بِهَ تَقِيَه بُوَدَنَد وَ گَاهِي بَر اِساس تَقِيَه رِفْتار مِي‌كِرَدَنَد، اِما وَاقْتِي قَائِمٌ مَأْمُورٌ بِهَ قِيَام مِي‌كِنَد، تَقِيَه رِخْت بَر مِي‌بِنَدَد وَ او شَمشِيرِش را بَرَهَنه مِي‌كِنَد وَ حَقِي را نِمِي‌سْتانَد وَ بَه صَاحِبِ حَقِي نِمِي‌رِسانَد مِگَر با شَمشِير؛ .. فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا سَقَطَتِ التَّقِيَه وَجَرَّدَ السِّيفُ وَلَمْ يَأْخُذْ مِنَ النَّاسِ وَلَمْ يُعْطَهُمْ إِلَّا بِالسِّيفِ.

اما نکته مهم اینکه فهم این‌گونه روایات ممکن است در گذشته‌ها مشکل بوده باشد، اما در عصر کنونی که سران ستم و بیداد نشان داده‌اند، زبانی جز زبان زور نمی‌فهمند و به هیچ‌صراطی جز با تیغه کج شمشیر مستقیم نخواهند شد، در غایت سهولت و برای همه قابل درک است.

* انتظار فرج چه تأثیری در روحیه و زندگی منتظران ظهور بر جا می‌گذارد؟

انتظار فرج از آن رو مورد تأکید و توصیه اهل بیت (علیهم السلام) قرار گرفته است که در انسان منتظر امید به آینده ایجاد خواهد کرد و همین امید، نقش بزرگی را در سعی و کوشش ایفا می‌کند. امیرمؤمنان و امام عارفان (علیه السلام) توصیه می‌فرمایند: «که انتظار فرج و گشایش از جانب خدا داشته باشید و از رحمت او ناامید نباشید که محبوب‌ترین اعمال نزد خدای عز و جل انتظار فرج و گشایش است.» و باز در همین زمینه سید ساجدان (علیه السلام) می‌فرمایند: «انتظار فرج داشتن خود از بزرگ‌ترین فرج‌هاست.» سرش آن است که اگر اندیشه کسی این باشد که هیچ کوششی برای اصلاح امور ثمر ندارد و به نتیجه نمی‌رسد، انگیزه‌ای برای مبارزه با طاغیان و مقاومت در برابر دشواری‌ها نخواهد داشت. اما اگر کسی به آینده امیدوار باشد و بداند که دیر یا زود حکومت زمین به صالحان خواهد رسید، امور جامعه اصلاح خواهد شد، حق به صاحبانش خواهد رسید، ظلم، ستم و بیداد رخت بر خواهد بست و... برای رسیدن به چنان جامعه‌ای نه تنها خودسازی خواهد کرد، بلکه تلاش می‌کند تا با دگرسازی زمینه تشکیل آن دولت کریمه را فراهم آورد.

از این رو منتظر واقعی مصلح جهان نه تنها خودش صالح است، بلکه در حد توان خود مصلح نیز خواهد بود. او همواره در دعا با اقتدا به مولای خود می‌گوید: خدایا! ما خواهان دولت کریمه‌ای هستیم که در آن اسلام و مسلمین، عزیز شوند و نفاق و منافقین ذلیل و خوار گردند و ما در آن دولت از داعیان به طاعت تو و راهبران به راه تو باشیم:

* انتظار فرج، یعنی همان خودسازی درونی و روحی، درست است؟

بله همین‌طور است، سید بن طاووس نقل می‌کند: وقتی در حضور امام (علیه السلام) از غیبت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) سخن به میان آمد، یکی از حاضران گفت: وظیفه شیعیان شما چیست؟ فرمودند: «دعا و انتظار فرج.» و از این روایت چنین استنباط می‌شود که انتظار فرج قطعاً به هر دو جنبه خودسازی و دگرسازی روحی، درونی و معنوی نظر دارد. حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز در روایتی فرمودند: «بهترین عمل امت من انتظار فرج و گشایش از جانب خدای سبحان است.»

* در نهایت اینکه جهان امروز درگیر جنگ‌های گروه‌های تکفیری و داعشی‌های ملعون است، وظیفه شیعیان در عصر حاضر چیست؟

مهم‌ترین وظیفه شیعه توسعه معرفت دینی است، اینکه انسان از خدا بخواهد تا ولی خودش را به او بشناساند. زراره می‌گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمود: قائم ما پیش از قیام خود، غیبت طولانی دارد. زراره پرسید: چرا؟ فرمود: برای اینکه اگر ظاهر باشد، او را خواهند کشت و زمین را از حجت خدا خالی خواهند کرد. آن‌گاه فرمود: ای زراره! اوست که انتظارش را می‌کشند و اوست که مردم در ولادت او شک می‌کنند؛ برخی می‌گویند: پدرش از دنیا رفت و فرزندی از خود به یادگار نگذاشت! برخی می‌گویند: در شکم مادرش است. برخی می‌گویند: غایب است، برخی می‌گویند: به دنیا نیامده است. برخی می‌گویند: دو سال پیش از وفات پدرش به دنیا آمد، همان موعود منتظر است. اما خدای سبحان می‌خواهد شیعه را امتحان کند و در این امتحان سخت، باطل‌گرایان دچار تردید می‌شوند. زراره که گویا با شنیدن این کلمات وحشت کرده بود، به فکر چاره افتاد و گفت: فدایت شوم، اگر من در آن زمان بودم، چه کنم؟ امام صادق (علیه السلام) فرمود: اگر آن زمان را درک کردی، پیوسته این دعا را بخوان که: «خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر خودت را به من نشناسانی، پیامبرت را نخواهم شناخت. خدایا! پیامبرت را به من بشناسان که اگر پیامبرت را به من نشناسانی، حجتت را نخواهم شناخت.

خدایا! حجتت را به من بشناسان که اگر حجتت را به من نشناسانی، از دین منحرف و گمراه خواهم شد.» بنابراین معرفت در

این حدیث به صورت برهان لمّی بیان شده است، یعنی اینکه انسان از علت پی به معلول ببرد، نه از معلول به علت یا از احد المعلولین به معلول دیگر که آن را برهان اِتی و دلیل می‌گویند. کسی که خدا را بشناسد، می‌تواند بفهمد که فرستاده خدا چه کسی باید باشد. وقتی فرستاده خدا را در پرتو توحید الهی بشناسد، می‌تواند بفهمد که جانشینی او در لیاقت و شایستگی چه کسانی هستند. وقتی که جانشین راستین پیامبر را بشناسد، دین‌شناس، دین‌باور و متدین راستین خواهد بود. چنین انسانی می‌تواند نایب خاص و عام ولیّ خود را بشناسد.